



احمد شاه (وحدت)  
Ahmad Shah (Vahdat)  
A. K. P. O.

هفته نامه خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان

UNIVERSITY TOWN, PESHAWAR P. O. BOX: 1073

۴ صفحه : ۲ روپیه پاکستانی  
۲۰۰ افغانی

محترم استاد خلیلی در دیدار با افسران جبهه مقاومت مردمی:

## راه روشن است و هدف مقدس

کمرها را محکم ببندیم و برای دفاع از مردم خود آماده باشیم. تبلیغات خناسان که بسیار وسیع صورت میگیرد در بین ما رخه نکند و با توانمندی قوی در صحنه حاضر باشیم.

• انسانیکه مردم را اذیت میکنند، دشمن مردم اند.

• آنچه به نفع مردم است انجام دهید همیشه مصالح و منافع مردم منظور تان باشد



تمام وسایل و امکانات ما را از بین برده و اردوی ما متلاشی شد. ولی ما بفضل خداوند بازهم توانستیم با قد خمیده پرچم عدالت خواهی را برافرازیم؛ از خود و مردم خویش دفاع نماییم و به تکرار میگویم که این یک احسان الهی است. (ص ۳)

صاحب الزمان (عج)، که ما همه سربازان اویسیم در خدمت شما باشیم و از این فرصت استفاده نمایم. بعد از حادثه ناگوار سقوط غرب کابل و شهادت استاد مزاری که همه مان آنرا با پوست و گوشت و خون خویش لمس کردیم، بازهم در جوار هم قرار داریم. این حادثه ناگوار که مصیبت های گذشته را به فراموشی کشانید، حادثه ای بود که

مقاومت فرمودند: خدا را سیاست گذارم که بعد از مدت زمان طولانی این فرصت را بدست آوردم که اکنون در جمع شما قرار دارم، از دیر زمانی بدین طرف میخواستیم با شما صحبت نمایم، ولی گرفتاریهای بیش از حد مجال این کار را برایم نمیداد. خواستم در آستانه جشن بزرگ نیمه شعبان و عید میلاد منجی عالم بشریت، حضرت

محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان روز پنجشنبه مورخ ۱۴/۱۰/۷۴، افسران نیروهای مقاومت مردمی را بحضور خویش پذیرفتند. طی این دیدار محترم استاد خلیلی تازه ترین اکتشافات سیاسی و نظامی را مورد بررسی قرار دادند. ایشان بعد از ابراز قدردانی از فرماندانا و جنرالهای جبهه

خبرنگار «صفحه نو» با یک تن از شهروندان کابل:

## هر روز با پنجه های جدید فولادین به سراغ ما می آیند

\* ما و کابل به مردم و شهر طاعون زده بی شباهت داریم که برای نجات ما یا بوزند می آیند! \* ما میدانیم که بی پناهم، دشمنان مسلح نیز از بی پناهی ما آگاهند! (ص ۴)

خبرنگار صفحه نو از کابل:

## فریاد میکشیم که ما را بکشید؛ چون ایمان داریم که خدا و تاریخ با مردم است!

\* انتقام جویی های نژادی مجدداً آغاز شده است. \* ملتی در حال مرگ، آرمان حاکمان و قدرتمندان است.

در ادامه، از سرگیری راکت بارانها بر غرب کابل،

## آنگشته و زخم های دیگر به چمه ده ها تن قربانیان

### شافته چارن افزو دگر دید

بود که نیروهای رژیم فاشیستی، حملات تهاجمی خویش را بالای مناطق اشترلی، جنگان و شیخ علی که در کنترل نیروهای جبهه مردمی حزب وحدت اسلامی قرار داشت آغاز نمودند. اداره انحصاری کابل کمافی السابق مسؤلیت حملات راکتی بر غرب کابل را بدوش طالبان انداخته و اظهار نموده اند که این حملات از مناطق تحت کنترل طالبان بر مناطق مسکونی غرب کابل صورت گرفته است. طالبان تا حال مسؤلیت این حملات راکتی پیهم بالای مناطق مسکونی غرب کابل را برعهده نگرفته اند.

به گزارش رسانه های گروهی بین المللی، در ادامه از سرگیری پرتاب راکت ها بالای مناطق مسکونی غرب کابل، یک شنبه هفته جاری ۳۲ کشته و زخمی دیگر به انبره قربانیان مظلوم و بی دفاع این منطقه افزود گردید. قابل تذکر است که شدت گرفتن پرتاب راکت ها بالای مناطق مسکونی غرب کابل، بعد از مذاکراتی صورت میگیرد که رژیم انحصاری کابل با مخالفین خویش در بامیان و مزار شریف بعمل آورده و هنوز موضوع مذاکرات و میزان موفقیت آن از طریق رسانه های اطلاعات جمعی اعلان نشده

## مصادره نمودن اموال غارت شده مردم

\* امتیازات فرد گانه گی های سیاسی، نظامی و اجتماعی، و چپاول اموال دولتی و مردم، بگانه انگیزه جنگ در کابل است. (ص ۴)

## که چیری په لند وخت کی د کابل حکومت عوض نشی کابل

## ساریان به د لوری نه د حکومت گریوان ته لاس واچوی

پیدا کری، دیر امکان لری چی کابل ساریان د اقتصادی مجبوریت په حکم د حکومت گریوان ته لاس واچوی او د حکومتی ذمه واریو په مقابل کی ورسره احتساب وکری. دگروال سادات چی اوس اوس د همدی سیاسی او اقتصادی بحران له امله د کابل نه پیسو ته راغلی دی د کابل اوسنی صورتحال نی د اندیسنی ور ویا له او د کابل د

په کابل کسی د اقتصادی تنگی او د نرخونو د بحران سره سره چی لا د راکتونو باران هم ورسره یوحای شوی دی، کابل ساریان به بالاخره دی ته مجبوره شی چی د حکومت په مقابل کی شدید عکس العمل حرکت کری. دغه مطلب دگروال منظور احمد سادات د «صفحه نو» د اختصاصی خبریال سره په یوه مرکه کی حرکت کر او وی ویل که چیری په لند وخت کی د کابل حکومت عوض نشی او په ملی پایو سراسری حکومت جور نشی او د جنگونو لری همداسی دوام

آدمکشان تون؛ بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

## انحصارگران قدرت سیاسی

توصیه ما اینست که عقده گشایی های نژاد گرایانه، بعد از آگاهی افشار ملت، فرسوده ترین سیاست قرون وسطایی است. این امر را باید تمام جوانب درک کنند که کشتار مردم بیگناه جز ایجاد عقده و تشدید جنگ اجتماعی چیز دیگری نیست.

بیشتر از سه سال است که جنگ انحصار قدرت سیاسی باخون مردم بی گناه ادامه دارد و فشار های سیاسی و نظامی از طریق حمله بر مردم بی دفاع این یا آن جامعه به عمل می آیند. این فرهنگ فشار سیاسی از طریق کشتار افراد جامعه حزب مورد خصومت، از شروع تاسیس «دولت اسلامی» تا کنون، پشتوانه سیاسی و نظامی نیروهای فاشیستی و خواهان غصب و انحصار قدرت سیاسی رادکشور تشکیل میدهد. بهره برداری های سیاسی حاکمیت انحصاری کابل از راکت باران مردمان غیرمسلح، این بوده است که چهره سفاک خویش را درعقب حمله به «عمل غیر انسانی حمله بر مردم بیگناه» پنهان دارد و از طریق هویت سازی های شیدادانه برای دیگران، هویت انسانی برای خویش دهد. بعد از سقوط غرب کابل وحاکم شدن شورای نظار در کابل، خصومت دربرابر جامعه هزاره از طریق اختطافهای دسته جمعی ادامه داشته است. تشدید خصومت میان ملیتهای کشور نیز از طریق کشتار جوانان بیگناه هزاره و ازبک عملی شده است و کشف «گور دسته جمعی» این جوانان، گواه بارز برای تحریک جوامع هزاره و ازبک علیه جامعه پشتون است.

تشدید پرتاب راکت بالای مناطق مسکونی غرب کابل بعد از مذاکرات صلح نیروهای مخالف با حاکمیت انحصاری کابل به عمل می آید. قبل از آغاز حملات شدید راکتی، شورای نظار و سیافنی ها به شکل معلومدار و علنی چندین فرود راکت را بر این مناطق مسکونی پرتاب نمودند که جهت فرود آمدن راکت در زود ترین فرصت عاملان آن را مشخص ساخت. بعد از اولین روز حملات شدید راکتی، تفسیر سیاسی حاکمیت «شورای نظار» این بود که این کار از جانب «طالبان» صورت گرفته است و هدف آنها مختل کردن مذاکرات صلح با جنبش ملی و اسلامی است؛ واقعیت اینست که مذاکرات صلح با جنبش ملی و اسلامی بعد از به تعویق افتیدن

توصیه ما اینست که عقده گشایی های نژاد گرایانه، بعد از آگاهی افشار ملت، فرسوده ترین سیاست قرون وسطایی است. این امر را باید تمام جوانب درک کنند که کشتار مردم بیگناه جز ایجاد عقده و تشدید جنگ اجتماعی چیز دیگری نیست. چرا نمی پذیرند که ملت آگاه، در بند آرمانهای انحصار طلبی قدرت سیاسی نمی افتد و سیاستهای فاشیستی محکوم به شکست حتمی بوده اند. (صفحه نو)



پیوست به گذشته

محترم انجنیر حکمتیار، امیر حزب اسلامی افغانستان در مصاحبه اختصاصی با خبرنگار «صفحه نو»:

# در افغانستان ما با مشکلات مواجه هستیم، ولی این مشکلات نه زاده اشتباهات خود جنش، بلکه ناشی از توطئه های استعمار است



\* برداشتی را که امروز ما از طبقات مختلف، از اقشار مختلف، از احزاب مختلف و از واقعیت هایی که در این جامعه وجود دارد، آن زمان نداشتیم.

\* دشواریها و مشکلاتی که دامنگیر ما شده... همه برای جنش عبرت انگیز است و بدون شك که این

تجارب جنش ما برای تمام مجاهدین در سطح بین المللی می تواند قابل استفاده باشد

متن حاضر، مصاحبه اختصاصی خبرنگار «صفحه نو» با محترم انجنیر حکمتیار، امیر حزب اسلامی افغانستان است که در اقامتگاه ایشان در شهر جلال آباد، صورت گرفته و طی آن مسایل گوناگون سیاسی و اعتقادی مورد بحث قرار گرفته است.

مبارزات مسلحانه تنها ترین شیوه مقابله پنداشته می شد؛ در بعضی جاهای دیگری که تا هنوز هم

فرصت آن مساعد نشده که احزاب و جریانهای اسلامی به شکل علنی کار کنند، این مبارزات بطور مخفی جریان دارد و معلوم نیست که چه وقت فرصت علنی شدن برای شان مساعد می شود. در برخی دیگر از کشورها مخصوصاً بعد از جهاد اسلامی افغانستان و راه مبارزات مسلحانه را که انتخاب کردند، دچار اشتباهاتی در این زمینه شدند؛ آنها با آنکه برداشت شان از جهاد افغانستان اندک بود، با آنهم از مبارزات مسلحانه ما الهام گرفتند و بعد خواستند که آن را در کشور های مربوطه شان مانند افغانستان تطبیق کنند که متأسفانه موفق نشدند و به شکل افغانستان نتوانستند مبارزات شان را ادامه دهند و به پیش برند و نهایتاً دچار مشکلات و ضربه های شدند. اما ضربه هایی که بوده نباید چنان تعبیر شوند که گویا در نتیجه آن جهاد و مبارزه به کلی افول کرده و از بین رفته است؛ در افغانستان، مخصوصاً ما دچار توطئه شدید و این توطئه قسمتی از کارها و برنامه های ما را مختل ساخت. با اینهم من معتقدم که باید مبارزین اسلامی دست به کار شوند و ما باید در برابر توطئه های استعمار جبهه مشترک ملی و اسلامی تشکیل بدهیم و از ارزشهای جهاد دفاع کنیم. این آرزوی ما و آرزوی ملت ماست. من باور دارم که در افغانستان فعلاً ما زمینه های زیادی برای تشکیل حکومت اسلامی داریم، ما یک نسل آگاه داریم، که اسلام را به خوبی درک می کنند، از تمام مسایل درک دارند، مردم ما خیلی تغییر کرده و فکر و ذهن شان رشد نموده است. از آن حالتی که در بیست، سی سال قبل داشتیم که مردم ما در برابر یک حوالدار غیبتناستند حرف بزنند، یعنی حوالداری که عا... ترین مرد دولت بود، تمام مردم را از ارباب گرفته تا دهقان و تا

بلکه ناشی از توطئه های استعمار است. درست است که ما هم اشتباهات زیادی داشته ایم ولی آنچه که شما به آن اشاره می کنید، بیشتر امریکا و سایر کشور های استعمار گر است که بر ما تحمیل می کنند. مگر این عجیب نیست که در ترکیه با وجود آنهمه تبلیغ و کاری که از طرف استعمار و دشمنان اسلام صورت می گیرد، می بینیم که یک حزب اسلامی آراء اکثریت را در انتخابات به دست آورد؟ این خود نشان میدهد که مردم به طرف اسلام رجوع و گرایش بیشتر پیدا می کنند. آیا عجیب نیست که در الجزایر، مبارزین اسلامی در برابر استعمار فرانسه با آن جدیت و گسترده گی مقابله می کنند. در افغانستان، امروز جهاد ما گسترده گی و عمق بیشتر یافته است؛ در کشمیر که هیچکسی تصور نمی کرد، روزی در برابر هند اقدام صورت بگیرد. همه تصور میکردند که کشمیر فقط روزی می تواند از زیر تسلط هند آزاد شود که اردوی پاکستان مداخله کند، یعنی دو ارتش منظم دو کشور با هم درگیر شوند و قضیه کشمیر را حل کنند، یعنی با دخالته ارتش پاکستان، ممکن است که کشمیر آزاد شود، نه در غیر آن. ولی امروز ما می بینیم که خود مردم کشمیر بپاخاسته و در مقابل سربازان هند دست به قیام و جهاد زده اند. این نشان میدهد که وضع ما بهتر است. اما در عین حال ما با مشکلاتی نیز مواجه هستیم؛ در همه جا مسلمانها با مشکلات روبرویند: جنگ تماماً بالای مسلمانها است، بمباران بالای شهر و خانه مسلمانها صورت می گیرد، انفجار، توطئه، کودتا... همه در کشور های مسلمان پیش می آید، ولی تمام این مشکلات را دشمن تحمیل می کند و این مشکلات داخلی نهضت های اسلامی نیست.

س: انجنیر صاحب، اگر با توجه به فرموده شما، یک نکته دیگر را هم توجه کنیم، یعنی اگر بیابیم قضایا را در یک سیر گرافیک مطالعه کنیم، ده سال قبل ما در سطح جهانی یکنوع خیزش بزرگی را در عرصه های تفکر اسلامی و در عرصه های انقلاب اسلامی شاهد بودیم؛

مخصوصاً ما اندیشمندان بسیار بزرگی را در سطح جهانی داشتیم که می توانستند نسبت به سرنوشت اسلام و جوامع اسلامی بهتر و خویتر بیندیشند و حتی حرکت های تازه بی را در این جوامع ایجاد کنند و در واقع آنچه را که امروز ما به عنوان نهضت اسلامی پیش روی خود داریم، در حقیقت محصول تلاشها و اندیشه های این بزرگان است؛ ولی در دهه بعدی ما می بینیم که همچون این اندیشمندان دیگر کسی بیرون نشده یا میتوانیم بگوییم که جوامع اسلامی که از لحاظ سیر گرافیک خود رویه اوج پیش می رفتند، اگر برداشتهای ما از اندیشه های اسلامی کامل می بود، باید سیر اوج خود را ادامه میداد، در حالیکه ما کاملاً بر عکس این مسأله را مشاهده میکنیم. یعنی همان طوریکه شما بعضی جاها را یاد آوری کردید، فکر میکنم در جنبه دیگرش دچار شکست های سنگین نیز بوده ایم؛ در الجزایر که نهضت اسلامی ما آمده و انقلاب را به پیروزی رسانیده، باید حاکمیت را به دست می گرفت، اما امروز باز به حالت زیر زمینی در آمده و تحت تهاجم دشمن قرار دارد؛ در فلسطین اشغالی بین سازمان آزادیبخش فلسطین و اسرائیل سازش صورت می گیرد؛ در آذربایجان جنش آزادیبخشی که حد اقل پار اسلامی دارد، می بینیم که به شدت ضربه میخورد؛ در آسیای میانه می بینیم که دوباره کمونیست ها حاکم می شوند؛ در افغانستان جهاد اسلامی مردم ما دچار توطئه خطرناکی می شود که حتی تمام ارزشهای آن را از درون می کاود، در ایران آن حرکت بزرگی که پایه گذار انقلاب اسلامی شد، امروز تقریباً رویه افول است و حتی اگر بگوییم که کاملاً به ضد آن انقلاب تبدیل شده است و... آیا فکر نمی کنید که اینها به یک شکلی سیر نزولی را حکایت می کنند؟

ج: من عرض کردم که یکی دشواریها و مشکلات و توطئه هاست و یکی هم بررسی تجارب و عملکرد خود ما. این را هم ما باید متوجه باشیم که حرکت اسلامی دارای دو مرحله بود. یکی مرحله فکری، که در این مرحله شخصیت های بزرگی مانند شهید حسن البنا، سید قطب، ابوالاعلی مودودی و سایر اندیشمندان و بزرگانی که پیشگام حرکت نهضت فکری بودند، وارد کار شده و بنیاد فکری نهضت را گذاشتند. در این مرحله کار وسیع فکری صورت گرفت. متعاقب این مرحله، مرحله عمل پیش آمد؛ یعنی تطبیق مسایل فکری در جامعه اسلامی. در جریان عمل طبعاً مشکلاتی پیش می آید. مشکلاتی که امروز ما شاهد آنیم، در مرحله عمل و تطبیق افکار اسلامی است. در این مرحله ما دچار نوساناتی شدیم و امت نیز دچار مشکلاتی گردید؛ راههای گوناگونی انتخاب شد؛ یکی رفت دنبال راه مسالمت آمیز؛ راه اصلاحات، شرکت در انتخابات و غیره. اینها تلاش میکردند که نظام فاسد را از طریق اصلاحات، اسلامی سازند، در مبارزات انتخاباتی شرکت کردند و در کنار دیگران به شکل مسالمت آمیز راه مبارزه را پیش گرفتند. یکی دنبال مبارزات مسلحانه رفت و تلاش کرد که از طریق مبارزه مسلحانه نظام فاسد را سرنگون کند. در افغانستان جهاد اسلامی مردم ما یک شکلی از مبارزه برای تطبیق افکار اسلامی بود. مشخصاً در حالیکه استبداد حاکم بود و رژیم استبدادی، اختناق را بر جامعه اسلامی حاکم ساخته بود،

س: شما قبلاً از تغییر در برداشتهای تان با به عبارت بهتر بگویم تغییر در عمق برداشتهای تان از اسلام یاد آوری کردید؛ آیا مشخصاً می توانید بگویید که برداشتهای شما که مثلاً سی سال قبل، در آغاز نهضت اسلامی داشته اید، در کدام عرصه ها بیشتر تغییر کرده یا اساساً تغییر در کدام عرصه ها بیشتر متجلی بوده است؟

ج: اگر بگویم که در همه ساحات، مبالغه نکرده ام، در همه عرصه ها برداشتهای ما تغییر کرده است. مثلاً ما یکزمان نسبت به امریکا این برداشت را داشتیم که دشمن اسلام است و علیه اسلام دائماً دست به توطئه میزند و نهضت های اسلامی را در هر جایی که سر بلند کند، سرکوب می کند؛ اما به آن عمقی که امروز دشمنی امریکا را نسبت به اسلام درک میکنیم، آنروز نبود. امروز میدانیم که دشمنی امریکا تا چه حد مرموز و عمیق است. یا آنروز رژیم های وابسته به استعمار را به وضاحت نمی شناختیم، ولی امروز میزان وابسته گی های آنان را به تمام معنی درک میکنیم و میدانیم که این رژیم ها تا چه حد در مقابل استعمار بی اراده اند و استعمار چه نقشه هایی را بر آنها تطبیق می کند. به عین ترتیب، در مورد بافت و ترکیب اجتماعی ملت خود ما برداشتهای ما تغییر کرده است و به این میزانی که امروز شناخت داریم، آنروز نداشتیم.

برداشتی را که امروز ما از طبقات مختلف، از اقشار مختلف، از احزاب مختلف و از واقعیت هایی که در این جامعه وجود دارد، آن زمان نداشتیم. در آغاز مبارزه، تصویر ما از همه اینها، اندک و مختصر بود، ولی فراز و نشیب ها و تجربه های فراوانی که در این مدت اندوختیم، این تصویر را کامل کرد.

س: انجنیر صاحب اگر بنا باشد که بعد از سی سال پیشگامی در امر مبارزه، از شما بخواهیم که تجارب تان را از این دوران برای ما بگویید، مخصوصاً که سیر حرکت جنش در این دوران فراز و نشیب های زیادی را داشته است، آیا ممکن است یکمقداری از آنها را بطور فشرده یاد آوری کنید؟

ج: این کار به یک کتاب قطوری ضرورت دارد؛ یعنی اگر ما بخواهیم تمام تجارب خود را بگوئیم و همه آنچه را که برداشت کرده ایم، بیان کنیم، یک کتاب بزرگ میشود. حرکت ما فراز و نشیب های زیادی داشته است که تجارب آن بدون شك برای تمام نهضت اسلامی، مفید و موثر است. اصولاً خیلی از تجارب ما با جنش اسلامی در سطح جهان ارتباط میگیرد و می تواند برای آنها درس باشد. در طول این مدت تصادمات و برخورد هایی را که ما شاهد بوده ایم، شبکه هایی که بر علیه ما توطئه کرده و در پی سرکوب ما اقدام نموده، احزاب و جریانهایی که بر علیه ما فعالیت داشته، دشواریها و مشکلاتی که دامنگیر ما شده... همه برای جنش عبرت انگیز است و بدون شك که این تجارب جنش ما برای تمام مجاهدین در سطح بین المللی می تواند قابل استفاده باشد؛ گمان میکنم که این همه تجارب را امکان ندارد که در این نشست مختصر بتوانم بگویم و امیدوارم فرصتی پیش بیاید که بتوانم این تجارب را بنویسم و در اختیار جنش و همه مجاهدین قرار دهم.

س: انجنیر صاحب، به نظر شما عوامل عمده ای که باعث ضربه خوردن جنش های آزادیبخش اسلامی در جهان شده، چیست؟ یعنی اگر ما دقیقتر نگاه کنیم می بینیم که یک دهه قبلتر، تقریباً اوج جنش های آزادیبخش اسلامی در سطح جهان بود ولی در یک یا نیم دهه اخیر، این جنش ها دارند رویه افول پیش می روند و در جاهای گوناگون ضربات کمرشکنی را متحمل شده اند. میخواستم بپرسم که عوامل عمده این ضربه خوردنها کدامند؟

ج: من در این رابطه با شما موافق نیستم که جنش های آزادیبخش اسلامی در حال افول قرار دارند و از اوج مانده اند. بلکه معتقدم که این جنش ها رویه عروج اند. با وجود مشکلات و دشواریهایی که متوجه نهضت های اسلامی شده است و جنش در جاهای گوناگون دچار توطئه ها، خیانت های درونی و حتی فشار از سوی دشمنان اسلام شده است، ولی این دشواریها، در عین حال دال بر این است که جنش به حالت عمقی خود پیش می رود و عمیق می شود. من کاملاً باور دارم که این حالت دردناک پایان می یابد و مبارزین اسلامی در هر گوشه دنیا دوباره بر مشکلات فایق آمده، و نهضت را همچنان به پیش می برند. شما در همین زمان متوجه هستید که در کشور های اسلامی مبارزات اوج گرفته و بیشتر از پیش گسترده شده است. اگر دقیق نگاه کنیم، در همه جا و هر روز می بینیم که یک حرکت تازه اسلامی آغاز شده و اوج گرفته است و در همه جا منافع استعماری را به خطر مواجه ساخته است. در همه جا، کشمیر، یوسنیا، الجزایر، فلسطین و... این هم درست است که ما فعلاً با دشواریهای زیادی روبرو هستیم؛ استعمار دسیسه های زیادی را به راه می اندازد. امروز کشور های اسلامی از لحاظ سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره در حالت مستعمره به سر می برند و دولت های شان تحت تسلط استعمار است، رژیم های وابسته در این کشور ها توانایی هیچگونه حرکت در برابر استعمار را ندارند و جنش ها با مشکلات طاقت فرسا و بیش از حدی مواجه اند ولی همه تلاش می کنند که از این مشکلات فارغ شوند. در افغانستان ما با مشکلات مواجه هستیم، ولی این مشکلات نه زاده اشتباهات خود جنش،

## که چیزی به نیت و وقت کی...

حکومت د قدرت د انتقال خیره نی د قدرت د بقا د پاره د پوری وسیلی په حیث په گورته کړه. ده زیاته کړه د استاد ربانی د ملی روغی جوړی او د مخالفینو سره د مخامخ خبرو اعلان کومه نوی خبره نده غوړ خلی دغسی اعلانونه شوی دی خو ورسره جوړخت د قدرت انتقال د ملت د نماینده میکاینیزم اودسرلی دپنځگیت دپاره ضمانتونه غوښتی دی چی اوسنی اعلان یی هم کت مپ د سولی په تضمین باندی ولاړ دی. ده ویل که چیری استاد ربانی په صداقت سره د ملت د نجات په خاطر د قدرت انتقال ته چمتو شی، زه فکر کوم چی مخالفین به هم وکولی شی په ډیر لږ وخت کی د ملت په مشوره یو نماینده او بدیل میکاینیزم هم رامینځ ته کړی. ده زیاته کړه د قدرت د انتقال خبره که څه هم د استاد ربانی له خولی ویل کیږی خو په دی لږ کی چی کوم صلاحیتونه د احمد شاه مسعود سره دی، استاد ربانی نشی کولی په خپل سر خپله اراده عملی کړی. ځکه نو کابل ښاریان د سولی په لاره کی نه یوازی کابل حکومت لوی څنډ بولی بلکه د طالبانو د اسلامی غورځنگ جنکی تحریکاتو ته هم د شک په سترگه گوری. ده ویل طالبان چی غواړی په یوازی خان د کابل حکومت ته سقوط ورکړی او په یوازی خان دولتی ماشینری وچلوی بیا هم د ملت د خوښی او ارادی سره متافی عمل دی او په دی باور نلری چی طالبان به په خپلو موجوده شعارونو سره یا سوله پټنگه کړی او یا په د ملی اسلامی حکومت د جوړولو او اداره کولو قابلیت ولری. ډگروال سادات د یو سوال په ځواب کی ویل د کابل اوسیدونکی دا وخت په سلو کی اتیا د اقتصادی تنگسی په ډیر بد حالت د مرگ او ژوند سره په مقابله او مبارزه کی دی خو د کابل حکومت د خپلی سیاسی واکمنی د پاره یوازی په پوځی ځواکمنی باندی اتکاء کړی ده او د ملت د مصیبتونو نه تی ځان نا خیره اچولی دی.



تشیع درباری،

(رویش)

از حیثیات مذهبی تا پرده‌گی سیاسی

(۲۳ منبله ۱۳۷۳: آغاز یک تاریخ)

(قسمت چاردهم)

محترم آقای بهرامی آمر کشف حزب وحدت اسلامی که مشخصاً مسؤولیت مقابله با توطئه های شورای نظار را در غرب کابل بر عهده داشت، خاطرات و برداشتهایش را از جریان توطئه های حاکمیت فاشیستی و تشیع درباری در یک مصاحبه اختصاصی که دوماه بعد از قیام عادلانه ۲۳ منبله با یک تن از اعضای کمیته فرهنگی انجام داد، چنین بیان کرد:

«تاجاییکه من میدانم دو مسأله میتواند اثبات کننده تمام طرحها و توطئه های شورای نظار و همدستانش در غرب کابل باشد: یکی اینکه تعدادی از اعضای رهبری حرکت اسلامی، بلافاصله پس از آمدن آقای اکبری به غرب کابل به جذب اعضای شورای مرکزی و قوماندانان حزب وحدت به نفع مسعود شروع کردند. همه روزه ما گزارشاتی را دریافت میکردیم که روزانه یکی دو نفر قوماندانان یا اعضای شورای مرکزی را نزد فهمیم می بردند و از آنجا یکمقدار پول گرفته، دوباره بر می گشتند و در داخل حزب و همچنین مردم غرب کابل تبلیغ میکردند و شایعه های گوناگون پخش می نمودند. متأسفانه این کارها که قبل از تعیینات حزب وحدت هم جریان داشت، پس از انتخاب شدن استاد مزاری به رهبری حزب، شدت گرفت و تا جایی پیش رفت که در بین قوماندانان و قطعات حزب بی اعتمادی و دورنگی ایجاد کرده و همه را نسبت به یکدیگر بدبین ساخته بود. اعتراف میکنم که در این زمینه شورای نظار و دستگاه امنیت آن، دست بالاتر داشت، چون آنها هم پول فراوان پخش میکردند و هم یکعده از شخصیت های با نفوذ و مشهور حزب وحدت و حرکت اسلامی را با خود یکجا ساخته بودند. یعنی اینها دو حربه را همزمان در دست خود داشتند که یکی پول بی پشتوانه آقای ربانی بود و یکی اعتبار و نفوذ شخصیت های مطرح در احزاب حرکت و وحدت. در هر جایی که ضرورت می شد، یکی از این دو حربه برنامه های شورای نظار را تحقق می بخشید و به همین خاطر بود که آهسته آهسته در میان نظامی ها و قوماندانان و اعضای شورای مرکزی اختلافاتی پیش آمد و زمینه بهره برداری شورای نظار فراهم شد. در برابر این دو حربه شورای نظار ما فقط حمایت عمومی مردم غرب کابل را با خود داشتیم که به استاد مزاری اعتماد داشتند و هر کدام آنها هر گزارشی را که به دست می آورد، برای استاد مزاری می آورد و به این ترتیب بسیاری از توطئه ها قبل از عملی شدن خنثی می شد. با اینهم تلاش مشترک بعضی از سران حرکت و همدستان آقای اکبری و آیت الله فاضل به کمک و پشتیبانی شورای نظار همچنان ادامه داشت و گاهی به یک شکل و گاهی به شکل دیگر پیش می رفت. اینها تمام کوشش خود را

متوجه آن ساخته بودند که با ایجاد تفرقه و دوئیت در صفوف حزب، نظامی ها و شورای مرکزی، توان مقاومت و مقابله حزب وحدت را کاهش دهند. مسأله دیگری که اثبات کننده توطئه بود، گزارشهایی بود که ما از تصامیم و اقدامات نظامی اینها داشتیم؛ اینها بین خود نشستند و شورای نظامی شان فیصله کرده بود که اتحاد از طریق دشت برچی حمله کند، شورای نظار از طریق کورته سنگی، قلعه واحد الی دهمزنگ، طرفداران آقای انوری از اسکاد الی لوی س، غند شیخ ناظر در ساحات سفارت شوروی، لیسه جیبیبی و گروههایی که در خانه آقای اکبری، کاظمی و قرارگاههای اطراف منزل استاد مزاری جابه جا کرده بودند، بالای منزل ایشن و بعضی قرارگاههای حزب وحدت عملیات کنند و با یک جمله همه جانبه سران حزب وحدت یا طرفداران استاد مزاری را نابود کنند و قدرت را به دست خود بگیرند. من در این رابطه چند آمار را برایتان یاد آوری میکنم: شورای ولایتی میدان در ۸۰ متری سمت شرق منزل آقای مزاری قرار داشت، آقای انوری چهل نفر مسلح را شیان آورده و در آنجا جا داده بود. از جمله این چهل نفر در مدت دوسه هفته بی که در آنجا مستقر بودند، حتی یک نفر هم بیرون نمی آمد. نان شان بطور بسیار مخفیانه و سری برده می شد. ما گزارش این نیروها را به دست آوردیم و یک نفر را روان کردیم تا روشن شود که آیا دقیق است یا نه، این نفر تمام افراد مذکور را در آن خانه مشاهده کرد. فاصله این نیروها تا پوسته محافظ منزل استاد مزاری بیش از بیست متر نبود. در جنوب منزل استاد مزاری قرارگاه داکتر احمدی بود که از وفاداران سرسخت آقای اکبری به حساب می آمد. در ایجا بیست نفر نیروی مسلح جنگی را آورده بودند. این قرارگاه دو منزله بود و در بام منزل دوم آن سنگر ساخته بودند که تیر کش های آن مستقیماً بالای اطاق نشیمن و استراحت استاد مزاری حاکمیت داشت. در حوزه ششم سازماندهی حرکت در دهن کوچک استاد مزاری دو گروه نفر را جابه جا کرده بودند که سلاحهای آنان را بطور مخفی آورده و در آنجا مستقر ساخته بودند. نفر های شان تحت عنوان عریضه و ثبت نام و این قبیل حرفها رفت و آمد میکردند. ما هم کسی را به یک عنوانی روان کردیم که احوال بگیرد و وقتی که داخل اطاق میشود، تمام نظامی ها را در آنجا می بیند. پشت سر منزل آقای مزاری خانه بی متعلق به برادران حرکت بود که در آنجا سیدجاوید و آقای انوری سه گروه نفر را آورده و دو هفته مخفی کرده بودند. ما پس از آنکه مشکوک شدیم و گزارشهایی هم دریافت کردیم، یک روز خواستیم خانه ها را تلاشی کنیم. تمام خانه های عقب منزل استاد مزاری را بازرسی کردیم تا اینکه در یک حویلی که به حویلی استاد مزاری وصل بود، حدود بیست نفر نظامی را دیدیم، از آنها پرسیدیم که شما اینجا چه می کنید؟ گفتند که ما اینجا مهمان هستیم. با مسؤولین حرکت از جمله آقای جاوید که در آن طرف دریا خانه اش بود، صحبت کردیم. آنزمان داکتر صادق خارج رفته بود. جاوید گفت که این افراد مسلح که در خانه هستند، مهمان اند و امشب میمانند و فردا خارج می شوند. این شواهد بطور مجموعی نشان میدهند که آنها کاملاً قصد و برنامه داشتند که بالای خانه استاد مزاری حمله کنند.

(ادامه دارد)

مقدسياه، سفید نمیشود!

\* ما باارها گفته ایم و یکبار دیگر نیز به تکرار می گوئیم که فاشیزم کابل و تشیع درباری دو باتلاق برای سیاست و پالیسی مذهبی ایران در منطقه اند.

به یکباره گی تلاشهای سیاسی ایران آغاز گردید و در سیاست خصومت «جمهوری اسلامی» تغییر کلی در برابر جامعه هزاره نمودار شد!! اینجا قابل دقت است که چگونه جمهوری اسلامی ایران بدون مقدمه به این سیاست جدید گرایید، ولی بازهم فتوای مذهبی «حرام خواندن جنگ» پوشش سیاست جدید نیز قرار گرفت؟! آیا هدف از سیاست جدید مذاکره با تأکید بر «حرام خواندن جنگ» بازهم شکل دیگر جلوگیری از حملات نظامی بعدی نیروهای جبهه مقاومت مردمی نبود؟ مذاکرات سیاسی کنونی جمهوری اسلامی ایران با مخالفین فاشیزم کابل، سیاست شناخته شده ایست که اینبار با پرهنه گی و سراسیمگی خاص برای جلوگیری از حمله مشترک تمام نیروهای مخالف بر این مرکزیت انحصاری میباشد. به مذاکرات کنونی و به گشودن باب صلح و آشتی و وحدت تا زمانی ایمان داشتند که بار دگر آرایش قوای فاشیزم کابل و تشیع درباری صورت گرفت و روسیاهی تمام را برای مدعیان صلح زمانی بوجود آورد که در فردای توافقات برای جلوگیری از جنگ در هزاره جات، لشکر کشی فاشیزم کابل و تشیع درباری درین منطقه آغاز گردید. ما بارها گفته ایم و یکبار دیگر نیز به تکرار می گوئیم که فاشیزم کابل و تشیع درباری دو باتلاق برای سیاست و پالیسی مذهبی ایران در منطقه اند. قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران بر این دو محور سیاسی و مذهبی جز شکست و ریشه کن شدن مطلق ایران از افغانستان نیست! (ص ۵)

نیروهای جبهه مقاومت مردمی، بامیان یگانه پایگاه نظامی و سیاسی مردم ما تلقی میگردد. همه میدانند که آغاز عجولانه جنگ در بامیان، برای این بود که یگانه پایگاه را نیز از مردم ما بگیرند. با شکست نیروهای تشیع درباری در جنگ اول، جنگ سازماندهی شده و منظمی از طرف فاشیزم کابل، تشیع درباری و جمهوری اسلامی ایران در بامیان آغاز شد که مسلم است نتیجه این جنگ جز شکست جبهه مقاومت مردمی چیز دیگری بوده نمیتوانست. به مجرد حاکم شدن تشیع درباری در بامیان، شاهد بودیم که فتوای مذهبی ایران صادر و جنگ حرام خوانده شد. این فتوا زمینه آن را مساعد میساخت تا قدرت تعرض دوباره را از جبهه مقاومت بگیرد و تشیع درباری و فاشیزم کابل، به ساده گی بتوانند در بامیان به تمرکز قوای نظامی و به فعالیت های نفوذ سیاسی و نظامی خویش به جانب دیگر مناطق هزاره جات بپردازند. آمدن تانکیستان ایرانی در بامیان، پخش سلاحهای ایرانی در این منطقه، تقویت اقتصادی و سیاسی و دادن یگانه حزب سیاسی جامعه هزاره، سیاستهای بوده اند که کاملاً حسن نیت جمهوری اسلامی ایران و «مقام معظم رهبری» آنرا در برابر فاشیزم کابل و بر عکس خصومت آنها را در برابر جامعه هزاره و رهبری سیاسی این جامعه بیان میدارد. بعد از پیروزی نیروهای جبهه مقاومت مردمی در بامیان و شکست مطلق فاشیزم کابل و تشیع درباری الی کنار خاک (پروان)،

آغاز جنگ در شیخ علی، اشترلی، جنگان و مناطق دیگر، یکروز بعد از امضاء توافق نامه ده ماده بی، برای جلوگیری از برخورد های نظامی در هزاره جات، به عمل میاید. از صلح تا جنگ، ماهیت تمامی تلاشهای اخیر آقای بروجردی را نشان داد. جنگ اخیر بیان میدارد که هنوز هم در سیاست جمهوری اسلامی ایران هیچگونه تغییر واقعیتانه به نفع جامعه ما به وجود نیامده است و تمامی تلاشهای اخیر، صرفاً و صرفاً برای مشروعیت دادن گروهی بود که جز خیانت و خصومت تاریخی در برابر جامعه هزاره و بازی با سرنوشت اجتماعی و سیاسی یک جامعه فقیر، دیگر انگیزه بی برای زیست در درون ملت افغانستان ندارد. آنچه در آغاز مجدد جنگ در برابر جامعه هزاره قابل دقت است، همان بازی و خنده به ریش تمامی سیاست های ایران است که با تأسف با پشتوانه فتوای مذهبی در مورد افغانستان به عمل می آیند. تأکیدات جمهوری اسلامی ایران و تشیع درباری بر صلح و وحدت، همیشه بعد از ورد زبان شدن «فتوای مقام معظم رهبری» به عمل آمده اند. «حرام خواندن» جنگ از طرف «مقام معظم رهبری» جمهوری اسلامی ایران، امروز به اثبات میرساند که فشار مذهبی برای تطبیق سیاست جمهوری اسلامی ایران در هزاره جات، صرفاً یک تاکتیک سیاسی، برای ستراتیژی منطقی جمهوری اسلامی ایران بود. بعد از سقوط غرب کابل و متلاشی شدن

راه روشن است و هدف مقدس

این مذاکرات به هر حال به نفع مردم ما بوده و به هیچ وجه به معنی یکجا شدن با خائنین ملی نیست. امکان ندارد اکبری و خائنین دیگر به دامن مردم ما برگشت کنند. آنها از مردم ما جدا اند و خط ما مشخص است. آنها نفرین شده گان مردم ما اند.

پیشنهاد دیگر آقای بروجردی، پیشنهاد متارکه جنگ با دولت بود که دیگر جنگ نشود و مسایل از راه مذاکره حل و فصل شود، گفتیم ما هیچ زمان جنگ طلب نبوده و نیستیم، آنها جنگ را بر ما تحمیل کرده اند. حالا هم از طرف ما اشکال ندارد و باب مذاکره باز است، اما این مذاکرات فقط در بامیان صورت گیرد و در خارج از بامیان برای ما مقدور نیست. سر انجام هیأت های دولت به بامیان آمد که بسیار سرافکنده و شرمسار بودند، و مذاکرات صورت گرفت. نماینده دولت از عملکرد های گذشته متأسف بودند که دولت اشتباه کرده و مسایل باید از طریق مذاکره حل گردد. ما گفتیم مذاکره را قبول داریم ولی نه برای مزدوری و اباقی قدرت تا مشروع رسانی، بلکه برای حفظ جایگاه اصلی مردم خود ما که با اقتدار و سربلند زنده گی کنند و مظلوم نباشند. ذلت و مزدوری را قبول نداریم. این مذاکرات به هر حال به نفع مردم ما بوده و به هیچ وجه به معنی یکجا شدن با خائنین ملی نیست. امکان ندارد اکبری و خائنین دیگر به دامن مردم ما برگشت کنند. آنها از مردم ما جدا اند و خط ما مشخص است. آنها نفرین شده گان مردم ما اند. محترم استاد خلیلی راجع به آماده گی اردوی حزب وحدت اسلامی فرمودند: هنوز راه ما ناقام است و مشکلات زیادی به سر راه وجود دارد و باید کمرها را محکم ببندیم و برای دفاع از مردم خود آماده باشیم. تبلیغات خناسان که بسیار وسیع صورت میگردد در بین ما رخنه نکند و با توانندی قوی در صحنه حاضر باشیم. محترم استاد خلیلی قوماندانان را به خداپرستی و مردم دوستی توصیه نموده و افزودند: کمک های الهی همیشه شامل حال ما است. پس به یاد خداوند باشید و خدا را فراموش نکنید و عزت و سربلندی را از او بخواهید و مردم خوب ما که پشتیبان شما هستند، از جانب شما اذیت نشوند. برای امنیت و آسایش مردم تلاش نموده و کوشش کنید که در مسیر راه، مردم ما اذیت نشوند. آنانیکه مردم را اذیت میکنند، دشمن مردم اند. جلو آزار و اذیت مردم را بگیرد. دبیر کل حزب وحدت اسلامی افزودند: تا این لحظه خوب آمدید و با تمام کینوردی امکانات و مشکلات زیاد اقتصادی کار یزرگی برای مردم خود انجام داده اید. بعد از این هم تلاش نمائید که از این بهتر کار شود، خدمت شما به مردم آنهاهم برای رضای خدا باشد. راه سخت و دشوار است. شما میخواهید مردم مظلوم تان را نجات دهید، این کار، کار پیامبران است. پیامبران درین راه چقدر رنج و زحمت دیده اند، شما هم از مشکلات خسته نشوید. راه روشن است و هدف مقدس. آنچه به نفع مردم است، انجام دهید. همیشه مصالح و منافع مردم منظور تان باشد، تا مردم از وجود شما احساس خوشحالی کنند. من از همه شما تشکر میکنم و زحمات شما را تقدیر مینمایم. خداوند یار و یاور تان بادا به تعقیب سخنرانی محترم استاد خلیلی، جنرال آصف خان به نمایندگی انسران اردوی قهرمان حزب وحدت اسلامی اظهار داشت که اردوی حزب وحدت همیشه احضارات کامل دارد و هر لحظه برای دفاع از منافع مردم خویش حاضر بوده و آماده هر نوع فداکاری در راه آرامش ملی خویش بوده و از توانندی و آماده گی خود اطمینان کامل میدهد.

در کابل ما همه چیز داشتیم، مردم بیدار و آگاه، اردوی قهرمان و رهبر نسترو و دلروز که همه را از دست دادیم، و با دست خالی به هزاره جات آمدیم. نمی خواستیم با کسی بجنگیم ولی دشمن اولین بار در هزاره جات جنگ را بالای مردم ما تحمیل کرد و ما در حالیکه هیچ آماده گی برای دفاع نداشتیم، اکبری، انوری و هادی لشکر سیاف و شورای نظار را در هزاره جات آوردند. شرایط سخت به وجود آمد و مردم تحت فشار خرد کننده ای قرار گرفتند، درین مدت این مقدار مظلومیت را در هیچ جا سراغ نداریم که مردم ما در کوههای پر برف و یخبندان تحمیل کردند. ولی دشمن حیلہ گر با همدستی انوری و اکبری لشکر کشی کردند اما با همت مردم و یاری خداوند بار دیگر صحنه عوض شد و بامیان بدست پر توان مجاهدین ما فتح گردید و استحكامات قوی دشمن از بین رفت و عزت و افتخار برای مردم ما کسب شد و این کمک الهی بود. این پیروزی در محافل سیاسی و در تمام جهان انعکاس خوب داشت و همه بدین باور رسیدند که این مردم با پرهنه، توانندی و قدرت دفاعی خویش را دارند، و این شما عزیزان بودید که شدید ترین زحمات را در صحنه نظامی متحمل شدید. مردم ما هر کجا که هستند به خود می بالند و به وجود شما افتخار می کنند از یاری خداوند پاک سپاس گزارند و از همت بلند شما تقدیر می کنند. محترم استاد خلیلی در رابطه به هیأت های سیاسی که در بامیان آمده بودند، خطاب به جنرالان و انسران فرمودند: با ابتکار نظامی، شما از نظر سیاسی هم موفقاً مردم خود را تثبیت کردید. در زمینه همین حرکات سیاسی بود که آقای بروجردی از ایران به هزاره جات آمد ما به ایشان اجازه دادیم و تمام حرف های خود را به ایشان گفتیم و از بد رفتاری و رفتار نا مطلوب ایرانیها پس از شهادت استاد شهید سخن گفته و تصریح کردیم که دیگر به دوستی شما امید نداریم. شما در شرایط بسیار بد دشمنان ما را در کنار خود گرفتید و کمک کردید. آقای بروجردی پیشنهاد کرد که جنگ در هزاره جات قطع شود. گفتیم جنگ بامیان با سایر نقاط هزاره جات تفاوت دارد، و جنگ بامیان از جنگ سه ساله کابل ریشه میگیرد و به خاطر حذف و نابودی مردم ماست. یک عده مزدور بنام «شیعه» در صف دشمن قرار دارند ولی جنگ در نقاط دیگر هزاره جات مطلوب نیست. ما به هر مصلح که اینجا آمده اختیار داده ایم و بشما هم اختیار می دهیم و هر فیصله که کردید، قبول داریم. آقای بروجردی به ایران رفت و یک فیصله به خاطر قطع جنگ در هزاره جات صورت گرفت، که هم نماینده ما و هم نماینده طرف مقابل آنرا امضاء کردند که دارای چند ماده است. ۱- صلح و آتش بس در هزاره جات که هیچ کدام حق لشکر کشی علیه طرف مقابل نداشته باشد. ۲- اسیران طرفین آزاد شوند. ۳- تبلیغات سوء علیه هم متوقف شود. ۴- نمایندگانی برای نظارت بر قطع جنگ تعیین شود. ما تمام این فیصله ها را پذیرفتیم ولی از طرف مقابل نقض شد. آنها بلافاصله بعد از امضای این قرار داد بر اشترلی و جنگان و شیخ علی حمله کردند و تبلیغات سوء را هم ادامه دادند که اهداف شوم آنها را فاش میکرد. آقای بروجردی دوباره آمد، گفتیم این فیصله از طرف مقابل نقض گردیده است. آنها در چندین نقطه، هزاره جات حمله کرده اند و اسیران هم آزاد نشده اند، تبلیغات شان هم ادامه دارد. آقای بروجردی هم تصدیق کرد که آنها



فرياد عبادي: در مصاحبه خويش با خبرنگار «صفحه نو» در كابل:

# دشمن تمام مليت ها، عقايد مغروران هم جناح هاي جنگ است

\* عامل كشتار راكتي هر كسي باشد، اين را به اثبات ميرساند كه دشمن ملت است.

\* بخش بندي كابل از لحاظ مليتي و حمله، راكتي براي كشتار مردمان آن، جنايت تاريخي در برابر وحدت ملي كشور است.  
\* جنگهاي بايخت اين باور را ايجاد كرده است كه هزاره و پشتون و تاجك و ازبك، همه مورد حمله بوده اند.

محترم فريد «عبادي» يك تن از باشندگان شمال كابل طي مصاحبه با خبرنگار «صفحه نو» اظهار نمود كه: «از سرگرفتن حملات راكتي بر مردم بيگناه كابل، به مفهوم سياست جديد خصومت با ملت افغانستان است. ما نفي گونيم كه كی این کار را میکند؛ ولی عامل کشتار راکتی هرکسی باشد، این را به اثبات میرساند که دشمن تمام ملیت های کشور است. بنده تا کتون نمیدانم که بخش بندی کابل را از

لحاظ مليتي چگونه توجیه میکنند؛ مگر این را با اطمینان میگویم که این بخش بندی و حمله، راکتی برای کشتار مردمان آن، جنايت تاريخي در برابر وحدت ملي کشور است. مردم کابل به خوبی درك کرده و جنگهاي بايخت نیز این باور را تقويت کرده اند كه هزاره و پشتون و تاجك و ازبك، همه مورد حمله بوده اند. به نظر من دشمن تمام مليت ها، عقايد مغروران هم جناح هاي جنگ است. \*

# آزموده را آزمودن خطاست!

\* تشيع درباري ناممكن است كه بدون غدر و خيانت باشد.

\* آغاز مجدد جنگها در ارژكان و ديكر مناطق، تشيع درباري را مواجه با انزجار و نفرت هرچه بيشتر مردم ساخت.

از نيت و اقدام صلحجويانه، مقام رهبري سياسي ايران امتنان شده است.

واسته به دشمن، مردم را كاملاً متيقن ساخت كه اين عناصر، ناممكن است كه بدون غدر و خيانت زنده گي كنند. طي پيام هاي مخابراتي و ارسال نامه ها به پاميان، رزمندگان و نمايندگان مردم از نيت صلحجويانه رهبري سياسي خويش ابراز امتنان نموده اند و اين تذكر را نیز داده اند كه توافقات اخير، بايد به مشابه دادن آخرين فرصت براي تشيع در باري تلقی شده و از این به بعد «آزموده را آزمودن خطاست!».

نظر به گزارش های واصله از نقاط مختلف هزاره جات، آغاز مجدد حملات نظامی بر مواضع جهات مقاومت مردمی، باعث انزجار و نفرت هرچه بیشتر مردم در برابر عمال شبکه جاسوسی - سیاسی تشیع درباری شده است. بعد از توافقات ده ماده ای برای ختم جنگ و تحرکات نظامی در هزاره جات، این توقع و امید به وجود آمده بود که دیگر زمینه، معامله های سیاسی با جنگ و خونریزی برچیده خواهد شد و گمان میشد که تشیع درباری، بعد از درک از جفاهای سیاسی، مذهبی و نظامی خویشتن در برابر جامعه ما، به این واقعیت پی برده است که دیگر نباید موجودیت خویشتن را در درون این جامعه با خیانت و معامله ضمانت کند؛ ولی آغاز مجدد جنگ توسط این گروه مزدور و

## فرياد ميكنيم كه مارا...

خبرنگار اختصاصی «صفحه نو» از کابل گزارش میدهد که وضعیت اجتماعی، سیاسی و نظامی در کابل بازم به جهت آغاز مجدد انتقام جویی های نژادی حرکت میکنند. موصوف مینگارد که کشتار مردم بیگناه و حمله راکتی به نواحی خاص از لحاظ اتنیکی، دلیل خوب برای گرایشات جدید خصومت نژادی میباشد. بعد از آغاز مجدد خصومت های قومی و کشتار مردم از عقب همین دیدگاههای سیاسی و اجتماعی، در کابل شیخ مرگ حاکم شده است و نفرت مردم از ماهیت غیر اسلامی و ضد اجتماعی جناح های درگیر در جنگ کابل، بیش از حد زیاد شده است. مردمان کابل اکنون بدین باور رسیده اند که ملتی درحال مرگ، آرمان حاکمان و قدرت خواهان کنونی بوده و جز اراده انحصار قدرت و حاکمیت، هیچ باور و اعتقاد دیگری مسؤولین کشتار مردم بیگناه کابل را اقتناع نمیکند.

فقر، گرسنه گی و بی پناهی مطلق، مردم کابل را متقاعد ساخته است که مرگ اندیشه انسانی، یگانه دست آورد جنگ برای قدرت بوده و وضعیت کنونی پایتخت و مردمان آن نه تنها بی اعتقادی طرفین جنگ را به باور های انسانی، بلکه فاصله گرفتن هرچه بیشتر آنها را از ارزش های مدنی و اجتماعی نیز بیان میدارد. يك تن از کارمندان مطبوعات که نمیتوانست خسونت خویشتن را کتمان نماید، گفت: «فرياد می کیشیم که ما را بکشید؛ چون ایمان داریم که خدا و تاریخ با مردم است!».

## هر روز با پنجه های...

خبرنگار «صفحه نو»، طی مصاحبه با يك تن از كادر های مسلکی وزارت اطلاعات و كلتور، شرح وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردمان کابل را از وی خواهان شد. موصوف که نخواست اسمش افشا گردد گفت: «رنگم ببین، حالم پیرس! من يك کارمند دولتم، ولی بزرگترین حصار دنیا را در کادربودن خویشتن برای يك ملت احساس میکنم. باورم اینست که شهر کابل، فقر و بینوایی ما را با هر انفجار در سینه اش ناله میکند. وقتی ما رنجوریم، شهر ما چطور میتواند شادمان باشد؟! ما و کابل به مردم و شهر طاعون زده بی شباهت داریم که برای نجات ما با پوزن می آیند؛ شاید فکر میکنند که از اجتماعی انسانی برون شده ایم! اهانت به انسانیت خویشتن را در ورود چند لاری آرد و قیل و قال تبلیغاتی آن می بینیم. همه میدانند که ما کیستیم... ما میدانیم که بی پناهم، دشمنان مسلح نیز از بی پناهی ما آگاهند و میدانند که خون ما بازخواست ندارد! به همین خاطر است که هر روز با پنجه های جدید فولادین به سراغ ما می آیند. فکر میکنند ما باز پنجه کر و کوریم که باید در دستان هر نوزاد شان، فرسوده شویم. مردم را برای حاکمیت و اقتداری میکنند که هیچگونه ایمانی به مردم ندارند و نخواهند داشت؛ ولی مردم کابل آهسته آهسته، ولی باخون خویشتن، این باور را به دست آورده اند که جنگ افروزان یگانه دشمنان ملت اند.»

سلمانعلی یعقوبی، یکتا از باشندگان غرب کابل:

# جبران شکست نظامی و سیاسی با قتل مردم بیگناه

\* در غرب کابل يك پایگاه نظامی نیز وجود ندارد.

\* بازم شکست وضعف خويش را باخون جوامع رنگين ميکنند.

\* از مقام رهبري سياسي خويش خواهان بيگر جدی این موضوع و دریافت مسؤولین جنايات اخير هستيم.  
\* حوادث فردا به دوش جانياني است كه انتقامجويي های غير بشري وضع اجتماعی کنونی را بالای مردم بیگناه ما تحمیل میکنند.

نظامی دشمن بوده و برای کتمان نمودن همین شکست، توسل به جنايت و آدمکشی می جویند. ما ضمن اینکه از مقام رهبري سياسي خويش خواهان بيگر جدی این موضوع و دریافت مسؤولین جنايات اخير هستيم، این سخن را نیز با صراحت اعلان میکنیم که در صورت ادامه یافتن همچون عقده گشایی های نژاد گرایانه، مسؤولیت حوادث خونین فردا به دوش جانياني است که انتقامجويي های غير بشري و ضد اجتماعی کنونی را بالای مردم بیگناه ما تحمیل میکنند.

محترم سلمانعلی یعقوبی، يك تن از باشندگان غرب کابل، علل سیاسی واجتماعی راکت باران پی در پی غرب کابل را که تاکنون منجر به شهادت و زخمی شدن بیش از صد نفر گردیده است، چنین بیان داشت: «کاملاً روشن است که در غرب کابل، به خصوص در مناطق که مورد هدف راکتی قرار میگیرند، يك پایگاه نظامی نیز وجود ندارد؛ ولی آنچه غیر قابل انکار است، همانا پایگاه اجتماعی جامعه ما در غرب کابل است. حمله بدین پایگاه اجتماعی، پرده از روی تمامی سیاست ها و دشمنی های نژادی و قومی در برابر جامعه ما برمیدارد.» نامبرده در رابطه به

## مصادره نمودن اموال

خبرنگار «صفحه نو» به نقل از يك منبع مؤثق حاکمیت شورای نظار گزارش میدهد که احمد شاه مسعود تصمیم به مصادره نمودن اموال غیر قانونی گرفته است که در نزد قوماندانان و مسؤولین سیاسی و اداری شورای نظار ذخیره شده اند. خبرنگار ما می افزاید که این تصمیم به مفهوم «جنايت بعد از عید» است؛ چون هیچگونه زمینه عملی ندارد. علت عدم موفقیت این تصمیم، همانا ماهیت جنگی و اجتماعی شورای نظار است که متکی به نیروهای نظامی واجتماعی يك ولسوالی است. خبرنگار ما به نقل از يك مفسر صاحب صلاحیت در امور سیاسی واجتماعی می افزاید که فعلاً برای نیروهای رزمی شورای نظار هیچگونه انگیزه و آرمان جنگی باقی نمانده و امتیازات خود کامه گی های سیاسی واجتماعی و چپاول اموال دولتی و مردم، یگانه انگیزه جنگ در کابل است. اگر احمد شاه مسعود بخواهد برای نیک نامی خويش در این سیاست عملاً گام بگذارد، آخرین انگیزه جنگ را نیز از افراد جنگی و سیاسی شورای نظار میکیرد. بنا بر این، اقدام اخير، اگر میتواند برد تبلیغاتی و سیاسی داشته باشد، با ویران کردن واقعیت زنده گی چپاولگرانه افراد شورای نظار، شکست و باخت نظامی را نصیب حاکمیت وی میسازد. احمد شاه مسعود به غیر از همین دادن خود کامه گی های سیاسی، اجتماعی و نظامی، به هیچ شکل دیگری نمیتواند که عمر انحصار قدرت سیاسی شورای نظار را در کابل تضمین کند. \*

## د کابل اعلامیه د سیاسی شعار و نو نوی کمپاین

که شه هم د کابل د حکومت د سولی په نوم د صادري شوی اعلامیه په محتوياتو کی شه داسی نوی عنصر نه لیدل کیږی چی د هغی له امله کابل حکومت عوض شی او په ملی بنسټونو جوړ شوی حکومت ته اوسنی په زور نیولی شوی او ساتل شوی حکومت پای ته ورسول شی خو د سیاسی بهره برداری د پاره ورته د تبلیغاتو کمپاین په پوره شدت سره کار کوی. په تیره بیا کابل راډیو د دی اعلامیه خپرول په راډیویی شعارونو کی ثبت کوی شوی دی. دا چی استاد ربانی، پامیان مزارشرف او قندهار ته هم د مخالفینو سره د ورتگ او خبرو اترو گواښ کوی دی د یو سیاسی مانور نه پرته بل پیام نلری. کابل راډیو په خپلو تبلیغاتو کی وائی چی کابل په مخالفینو باندی د برلاسی سره سره چی په سیاسی میدان کی کامیاب شوی د وړکولو نه پرته نور شه وړیاندی مرتب ته دی. \*